

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1394/02/05



سامانه تقریر

موضوع: مسئله دوم از فروع مطهریت انقلاب
سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «اذا صبّ فی الخمر ما یزیل سکره لم یطهر و بقى علی حرمة». اگر در خمر چیزی ریخته شود از مایعات یا عامل دیگری که سکر آن خمر را ازاله کند پاک نمی شود. این ازاله سکر موجب تحلیل نمی شود، حرمت خمر به قوت خودش باقی است. این مسئله تا جایی که دلیلی بر این مطلب وجود داشت گفته شد. نصوصی که در این باب بود هم ذکر شد تا تعارض و استصحاب و گفتیم در نتیجه که ازاله سکر از مطهرات نیست بلکه انقلاب از مطهرات طبق نصوص آمده است.

انقلاب مطهر مطلق و عام است
و اما سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه این مسئله را شرح می دهد، مطلبی را بیان می کند که با آن بحثی که ما قبلاً برایتان داشتیم اختلاف و تنافی دارد که بعضی از عزیزان تعرض کردند از این جهت بر این شدیم که این بحث را توضیح بدهیم. سیدنا الاستاد می فرماید این فرع دارای دو تا مسئله است: مسئله اول این است که آیا انقلاب بما هو انقلاب یک مطهر است به طور عام و کلی یا انقلاب اختصاص دارد در مطهریت خلّ و خمر و فق انقلاب است و موردش خلّ و خمر است؟ می فرماید: صحیح این است که انقلاب یک مطهر عام و کلی است و اختصاص به خلّ و خمر ندارد. بر عکس آنچه که بنده گفتیم و شرح دادیم که انقلاب به عنوان یک مطهر نیست. شرحی که ایشان می دهد از این قرار است: اولاً. در حد توضیح این مطلب می فرماید: انقلاب را در مورد خمر و خلّ دیده ایم، اگر بر فرض خمر به چیز دیگری منقلب بشود، فرض کنید خمر بشود یک نوشیدنی خوب در اثر یک عملیاتی انقلاب است. و همینطور هر کجا انقلاب صورت بگیرد مطهر است. اختصاص به انقلاب خمر به خلّ ندارد. بعد می فرماید دو تا روایت هم داریم روایت اولی موثقه عبید است سند را قبلاً خواندیم سند درست است به وسیله عبدالله بن بکیر که در سند آمده

است می شود موثق که عبد الله بن بکیر فطحی است. در انتهای این حدیث معتبر آمده است که «اذا تحول عن اسم الخمر فلا بأس به» [1]، این مدلول اطلاق دارد نگفته است «اذا تحول عن الخمر الى الخل»، عن اسم الخمر اطلاقش اعلام می دارد که انقلاب مطلقاً مطهر است. تنها به انقلاب خمر به خل اختصاص ندارد. حدیث دومی که در این رابطه استدلال فرموده اند صحیح علی بن جعفر آمده است «قال اذا ذهب سکره فلا بأس» [2]، مدلول این روایت این است که اذهاب سکر از خمر رفع حرمت می کند و موجب ازاله نجاست و حرمت می شود. حالا این اذهاب سکر به وسیله خل شدن باشد یا به وسیله چیز دیگر، از اطلاق این دو روایت این نکته را به دست می آوریم که انقلاب اطلاقاً از مطهرات است.

اشکال و جواب و دو شاهد بر مطلب

اگر اشکال بشود که اشکال از سید حکیم است فرموده است این اطلاق در روایت دیده می شود ولی اصحاب به این اطلاق عمل نکرده اند، که گفتیم این روایت معرض عنها هست. [3] می فرماید اگر این حرف را بزنند قابل قبول نیست، برای اینکه ما دو دلیل داریم که عند الاصحاب هم می شود اعلام کرد که انقلاب اطلاقاً مطهر است. دو تا شاهد داریم: شاهد اول این است که فقهاء در بحث های فقهی انقلاب را عنوان مستقل اعلام کرده اند. و بعد خمر و خل را بالتبع آورده اند که گویا به عنوان مثال است. خمر و خل مثالی است و انقلاب مطهر. این عنوان کردن در شکل استقلالی از سوی فقهاء شاهد بر این مدعاست که انقلاب می تواند مطهر مستقل و کامل باشد. هر جا انقلاب درباره خمر و غیر خمر صورت بگیرد مطهر است. شاهد دوم می فرماید: سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه در مسئله پنجم همین فراز از بحث می فرماید: فرق است بین انقلاب و استحاله، در انقلاب فقط نجس پاک می شود و در استحاله نجس و متنجس تطهیر می شود. اینکه انقلاب را با استحاله جدا کرده و گویا انقلاب را در برابر استحاله از مطهرات شمرده، برای مدعای ما شاهی است. با این دو شاهد می فرماید: مسئله اول یعنی عمومیت برای انقلاب از جهت تطهیر یا انقلاب مطهر مستقل کافی خواهد بود. [4]

تحقیق در مسئله

تحقیق این است که بیان سیدنا الاستاد قابل التزام نیست. اولاً خود سیدنا الاستاد می فرماید: «الانقلاب من صغریات الاستحاله» [5]، انقلاب عنوان مستقل نیست از صغریات استحاله است. منتها در استحاله این بحث مفصل و نسبتاً عمیقی که داشتیم که فرمودند استحاله را می توان تبدیل موضوع خواند اعم از تبدیل موضوع واقعاً و عقلاً. و تبدیل موضوع عرفاً، در انقلاب استحاله است و تبدیل موضوع است عرفاً پس استحاله است. این مطلبی بود که ایشان خودشان فرمودند. و ما از همین جا می گوییم خود شما فرمودید که انقلاب عنوان مستقل نیست استحاله است. و اما روایاتی که استدلال فرمودند روایت براساس تناسب حکم و موضوع درباره خمر آمده، دقیقاً تناسب حکم و موضوع یعنی قرینه این را اعلام می کند که منظور از اذهاب سکر و منظور از عدم صدق اسم خمر خل شدن است. اما آنجایی که می گوید اذهاب سکر منظور این است که هنوز خل نشده و یک حالت میان راهی دارد به سوی خل شدن می رود هنوز خل شده ولی اذهاب سکر شده، آیا در این

مرحله از عملیات حرمت مرتفع شده است یا نه، می فرماید: اذهاب سکر اگر شده باشد خلّ است و کافی است. روایات انصرافش، موردش و تطبیقش دقیقاً به انقلاب خمر به خلّ اختصاص دارد. موید بر این مطلب صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: انقلاب «یختّ بمطهریه الخلّ»، انقلاب اختصاص دارد به تبدیل خمر به خلّ [6]. و سید الحکیم فرمودند فهم اصحاب این است که منظور از این دو روایتی که ظاهرش اطلاق می نماید، اختصاص به انقلاب خمر به خلّ است. بعد هم نکته اصلی که گفته می شود در برابر فرمایش سیدنا الاستاد اشاره ای به آن دو شاهد: اما شاهد اول که فرمودند فقهاء انقلاب را مستقل عنوان کرده اند، مراجعه کنیم در شرائع و جواهر انقلاب در ضمن استحاله آمده. عنوان مستقل ندارد. فقط در عروه الوثقی انقلاب عنوان مستقل دارد و تطبیق مستقل دارد به خمر و خلّ. و بعد هم بیان سید طباطبایی که فرق بین انقلاب و استحاله را اعلام فرموده اند، بیان فرق شاهد بر مطهریت مستقل انقلاب نخواهد بود. در نهایت حرف اصلی این است که انقلاب علی التحقیق طبق تتبعی که گفته شود در سر تا سر فقه موردی که به وسیله انقلاب تطهیر به عمل آمده باشد نداریم. بنابراین این انقلاب است و این خمر و خلّ. مضافاً بر آن نکته ای که از فقیه همدانی گفتیم فرمود تطهیر به وسیله انقلاب خمر به خلّ منصوص است و روایات خاص دارد و طبق قاعده نیست. قاعده تنجیس است. ظرف چگونه پاک می شود؟ تبعیت یعنی چه، تبعیت خلاف وجدان هم می شود. یک گوشه ظرف که خمر بوده و رفته رفته خلّ شده، آن گوشه همان جا که نجس بود سر جایش باقی است. این منصوص است و تعبد است و با قواعد تطبیق نمی کند. [7] پس از این انقلاب آنچه که تحقیق اعلام می کند و گفته شد قطعاً یک مطهر مستقل نیست فقط اختصاص دارد به خمر و خلّ.

مسئله دوم

مسئله دوم از این قرار است که اگر آبی ریخته شود روی خمر و بعد از عملیات و امتزاج یک عنوان سومی به وجود بیاید یک چیزی که نه خمر است و نه آب امتزاجی است و بعد هم فرض کنید که خمر مستهلک شده باشد به شیء دیگر. می فرماید این استهلاك همانطوری که سید طباطبایی یزدی فرمودند در این مسئله طهارت به وجود نمی آید درست است. برای اینکه این مطلب عبارت است از استهلاك و استهلاك از مطهرات نیست درباره خمر و خلّ. آنچه که درباره خمر آمده است انقلاب است. نص فقط انقلاب گفته است، استهلاك در این مورد منصوص نیست و مطهر به حساب نمی آید. در این رابطه هم می فرماید هر چند مطلب از این قرار است که علی التحقیق درباره استهلاك هیچ گونه دلیلی بر مطهریت نداریم چون عنوانی که در نصوص آمده است انقلاب بود. اصطلاح استهلاك را ایشان بکار می برند. و بعد هم می فرمایند: در این رابطه روایاتی است که به ما کمک می کند. روایت اول روایت عمر بن حنظله است، در آخر این روایت آمده است «و لا قطره قطرت فی حب الالهریق ذلک الحب» [8]، یک قطره خون در یک بشکه پر از آب اگر ریخته شود آن بشکه آب را باید دور ریخت. نشان می دهد که اینجا استهلاك بوده ولی استهلاك مطهر نیست. اگر خمر مستهلک بشود تطهیر به وجود نخواهد آمد. روایت دوم هم عبارت است از خبر ابی بصیر درباره نبیذ از امام صادق سلام الله تعالی علیه سوال شده است که در آخر فرموده

است « ما ییل المیل ینجس حبا من ماء» [9] درباره نیبذ است، میل کنایه از مقدار اندک، ما در فارسی چطوری می گوئیم سر سوزن. سر آن وسیله سرمه کشیدن است که خیلی کوچک و ظریف است، به آن اندازه اگر از خمر داخل یک حبّ ریخته شود نجس می شود. اینجا معلوم است که قطعاً استهلاک است ولیکن استهلاک مطهر نیست. روایت سوم روایت زکریا بن آدم «قال سألت ابا الحسن علیه السلام که فرمود عن قطره خمر أو نیبذ مسکر قطرت فی قدر فیه لحم کثیر و مرق کثیر قال یهراق المرق» [10]، آبگوشت زیادی است یک قطره خمر یا نیبذ که نوع دیگر خمر است، در آن دیگ بزرگی ریخته شود چه کند، امام فرمود دور بریزد. این هم دلالت دارد که استهلاک مطهر نیست. در نتیجه می فرماید این مسئله یعنی مسئله صبّ آب به خمر که خمر را مستهلک بکند مطهر نیست.

تحقیق

اما تحقیق این است که اولاً این مسئله مربوط به استهلاک نیست. «إذا صبّ فی الخمر ما یزیل سکره» بحث در این است که یک چیزی وسیله ای، آبی یا آتشی اثر بگذارد به خمر که سکرش برود، این سوال است، استهلاک مطرح نیست. بحث از استهلاک نیست. احتمالاً مقرّر بحث را جا به جا کرده باشد یا سوالی شده باشد در جلسه و عنان سخن به طرف استهلاک رفته و الا استهلاک اینجا وجود ندارد. و بعد هم در اینجا صحبت فقط از این است که ازاله سکر، چون ما یک مطلبی داریم و بعدا خواهد آمد و آن این است که قول مشهور داریم و غیر مشهور، مشهور قریب به اجماع این است که خمر هم حرمت تکلیفی دارد و هم نجاست وضعی. ولی قول غیر مشهوری است اگر آن درست بشود کل کارها را درست می کند. می گوید فقط حرمت دارد و نجاست ندارد. آن دیگر قاعده تبعیت و کل اشکالات را هموار می کند ولی قول غیر مشهور است و تقریباً نادر است. از همان باب توهمی شده است که ازاله سکر کافی است یا کافی نیست، سید می فرماید کافی نیست. دلیل بر عدم کفایت شرحش را دادیم و فتوا هم درست است. سیدنا الاستاد هم می فرماید فتوا درست است منتها به قالب استهلاک گذاشته شده و روایات را در باب استهلاک آورده اند. و اما درباره خود استهلاک، تعریف استهلاک این است که فناء موضوع است. یعنی اگر فناء موضوعی بود می شود استهلاک. یک موضوع در موضوع دیگر اصلاً مستهلک بشود فانی بشود دیگر موضوع سومی در می آید. موضوع اول فانی شد. استهلاک را گفتیم باعث تطهیر است اما یک شرط دارد و آن این است که شئ نجس در شئ طاهر مستهلک بشود. یک قطره خون در آب کثیر، آب کّر است یک قطره خون ریخت تا آن قطره خون سرچایش ملموس است نجس است اگر آن قطره خون در دل کّر مستهلک شد فناء موضوعی تطهیر آمده.

سوال:

پاسخ: استحاله و انقلاب از مصطلحات تخصصی است و به رأی عرف خضوع نمی کند. و استهلاک هم همینطور است. مثال دیگری هم مثل خاکی که از کنار قصابی با خون ذبیحه آلوده است با خاک کثیر اطراف همراه می شود و مستهلک می شود، این استهلاک کافی است در مطهریت. ولی استهلاک به این معنا اصطلاحاً استهلاک فقهی نیست تا ما بحث

کنیم که استهلاک مطهر نیست. به احتمال قوی بحث از مقرر باشد نه از خود سید، چون اصلاً اصطلاح استهلاک اینجا کاربردش مناسب نیست، آن استهلاکی که از خود امثال ایشان یاد گرفته ایم این نیست. در نتیجه فتوا همین است که در متن آمده، اگر چیزی به خمر اضافه شود که باعث از بین بردن سکر آن بشود ازاله حرمت و نجاست نمی کند. چون نصوص فقط گفته است در صورتی که خمر خلّ بشود و لا غیر، بنابراین دلیل بر تطهیر نداریم و استصحاب نجاست هم جاری است، حکم به نجاست اعلام می شود.

-
- [1] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 17، ص 297، ابواب اشربه محرمة، ب 31، ح 5، ط اسلامیة.
- [2] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 17، ص 297، ابواب اشربه محرمة، ب 31، ح 9، ط اسلامیة.
- [3] مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج 2، ص 100.
- [4] التنقیح فی شرح العروه الوثقی، سید ابوالقاسم خویی، ج 4، ص 164 تا 167.
- [5] التنقیح فی شرح العروه الوثقی، سید ابوالقاسم خویی، ج 4، ص 159.
- [6] جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، ج 6، ص 290.
- [7] مصباح الفقیه، فقیه همدانی، ج 1، ص 636.
- [8] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 17، ص 272، ابواب اشربه محرمة، ب 18، ح 1، ط اسلامیة.
- [9] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 2، ص 1056، ابواب نجاسات، ب 38، ح 6، ط اسلامیة.
- [10] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 2، ص 1056، ابواب نجاسات، ب 38، ح 8، ط اسلامیة.